



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۵۰	تاریخ	۱۴۰۳ / ۱۰ / ۲۹
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	مبحث جزئیت «بسمله» در سوره های قرآن				
عنوان ۴	دیدگاه مذاهب اسلامی پیرامون جزئیت «بسمله»				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

مبحث جزئیت «بسمله» در سوره های قرآن

مباحث این جلسه به پرسش اساسی و دیرینه ای اختصاص دارد که آیا «بسمله» جزئی لاینفک از سوره مبارکه حمد و دیگر سور قرآنی، جز سوره «توبه» (برائت)، محسوب می گردد یا آن چنان که برخی مذاهب و فقها بر آنند، از اجزای آنها نیست؟ در گام نخست، به بررسی جزئیت آن در سوره حمد می پردازیم و سپس به جزئیت آن برای تمامی سوره ها، به استثنای سوره «برائت»، خواهیم پرداخت.

دیدگاه مذاهب اسلامی پیرامون جزئیت «بسمله»

مرحوم طبرسی در کتاب ارزشمند «مجمع البیان» چنین بیان می دارد:

«اتَّفَقَ أَصْحَابُنَا أَنَّهَا» که مراد از «أَنَّهَا» همان «بسمله» است. «آيَةُ مِنْ سُورَةِ الْحَمْدِ وَمِنْ كُلِّ سُورَةٍ»؛

یعنی به جز سوره «برائت» است. از این رو، بر اساس نقل مرحوم طبرسی، اجماع فقهای امامیه بر این قرار گرفته است که بسمله نه تنها جزئی از سوره حمد، بلکه جزئی از تمامی سوره ها به استثنای سوره «برائت» به شمار می آید. اما در میان سایر مذاهب اسلامی، شماری از بزرگان فقه، از جمله شافعی و احمد، بدان سان که اقوالشان نقل شده، بر این باورند که بسمله آیه ای از تمامی سوره ها است، مگر سوره «برائت». بدین ترتیب، شافعی و احمد در این دیدگاه با فقهای امامیه هم داستان اند؛ هرچند این موافقت در مورد شافعی، بنابر یکی از دو قول اوست؛ زیرا شافعی غالباً دارای دو رأی «قدیم» و «جدید» است. با این حال، در رأی قدیم و نخستین خود، قائل به جزئیت بسمله از تمامی سوره ها، به جز سوره «برائت» است. احمد بن حنبل نیز بر همین عقیده است.

در مقابل، برخی از فقهای عامه، همچون مالک و ابوحنیفه، بر اساس آنچه از آنان نقل شده است، و نیز شافعی در قولی دیگر که به وی منسوب است، بر این رأیند که بسمله اصولاً نه جزئی از سوره حمد و نه جزئی از دیگر سوره‌هاست؛ به عبارتی، بخشی از هیچ سوره‌ای محسوب نمی‌شود.

زمخشری در این زمینه بیان می‌دارد:

«قُرْأُ الْمَدِينَةِ وَالْبَصْرَةِ وَالشَّامِ وَفَقَهَاؤُهَا عَلَى أَنَّ التَّسْمِيَةَ لَيْسَتْ بِآيَةٍ مِنَ الْفَاتِحَةِ وَلَا مِنْ غَيْرِهَا مِنَ السُّورِ، وَإِنَّمَا كُتِبَتْ لِلْفَصْلِ وَالتَّبَرُّكِ بِالْإِبْتِدَاءِ»^۱

بر اساس این دیدگاه، بسمله در آغاز هر سوره، صرفاً به قصد تیمّن و تبرک و به منظور نشان‌گذاری پایان یک سوره و آغاز سوره دیگر نگاشته می‌شود؛ بدین معنا که برای ایجاد جدایی میان سوره‌ها، از بسمله بهره جسته‌اند؛ پس بسمله هرگز جزئی از سوره محسوب نمی‌گردد. او ادامه می‌دهد:

«كَمَا بُدِئَ بِذِكْرِهَا فِي كُلِّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ. وَهُوَ مَذْهَبُ أَبِي حَنِيفَةَ وَمَنْ تَابَعَهُ وَلِذَلِكَ لَا يُجْهَرُ بِهَا فِي الصَّلَاةِ»^۲

یکی از دلایلی که قائلان به عدم جزئیت بسمله برای توجیه دیدگاه خود اقامه کرده‌اند، عدم جهر به بسمله در نماز است. ما نیز در آینده خواهیم گفت که این عمل، خود بدعتی اموی، بلکه بدعتی جاهلی به شمار می‌رود. اصولاً جاهلیت قریش با «بسمله» و عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» معارضت داشتند؛ بدان گونه که بر اساس آنچه از روایات و قراین تاریخی استفاده می‌شود «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله، نشانه تشیع و پیروی از علی بن ابی طالب علیه السلام به شمار می‌آمده است. سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز که به وساطت امیرالمؤمنین علیه السلام تبیین می‌شد، بر تأکید و اصرار بر ذکر بسمله و جهر به آن استوار بود؛ درحالی‌که جاهلیان و آنانی که زیر لوای اسلام، بر حفظ فرهنگ جاهلی خود می‌کوشیدند، پافشاری می‌کردند که بسمله را به طور کلی از هر سوره حذف کنند یا اگر آن را بر زبان می‌راندند، جهر به آن نمی‌نمودند. لذا (زمخشری) می‌گوید:

«وَهُوَ مَذْهَبُ أَبِي حَنِيفَةَ وَمَنْ تَابَعَهُ وَلِذَلِكَ لَا يُجْهَرُ بِهَا فِي الصَّلَاةِ. وَقُرْأُ مَكَّةَ وَالْكُوفَةَ وَفَقَهَاؤُهَا عَلَى أَنَّهَا آيَةٌ مِنَ الْفَاتِحَةِ وَمِنْ كُلِّ سُورَةٍ، وَعَلَيْهِ الشَّافِعِيُّ وَأَصْحَابُهُ وَلِذَلِكَ يُجْهَرُونَ بِهَا»^۲

بنابراین، شافعی نیز قائل به جهر به بسمله است.

ما نیز ادله‌ای متقن داریم بر اینکه «بسمله» جزئی لاینفک از سوره مبارکه حمد و تمامی سوره‌ها به شمار می‌رود که طرح و بررسی آنها را به جلسه آینده موکول می‌نماییم.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. الکشاف؛ ج ۱، ص ۱.

۲. همان.